

## نگارش به مثابه سلوک

جلسه ۱۰۸. رضایت خداوند

خانم مریم چینیان پور (حیدری). ۹۷/۰۴/۱۲

بارها و بارها سعی کرده ام در درون خود سفری راترتیب بدهم. گاهی تمرکز محض به تک تک کارهایی که انجام می دهم. گاهی خالی کردن ذهن و فقط فکر کردن به یک مانترای خاص که استاد طی مراسمی مخصوص فقط به تو می دهد که نیاید انرا به هیچ کس دیگر بگویی. گاهی خالی کردن کامل ذهن بدون هیچ مانترایی.. خالی خالی. عاری از هرگونه چیزی. گاهی سفر به درون برای رسیدن به "خود" و تنها بودن با "خود". و بسیاری سفرهای درونی از این قبیل. که گاهی موفق بوده ام و در مورد برخی هم شکست پشت شکست. ولی ناامید نشده ام و هنوز هم در سفرم.

این بار سفری که در این مرحله باید شروع کنم، "رضایت خداوند" است. سفری که از درون آغاز می شود. ابتدا باید ذهنت را خالص کنی. خالص برای "او". و این سفر رافقط برای رضایت او شروع کنی. نه برای اینکه در جلسه سلوک تمرینی داشته باشی و نه برای اینکه فرمان استاد را اطاعت کرده باشی. و نه حتی برای اینکه کاری انجام داده باشی. فقط و فقط برای رضایت "او".

حال، ذهنت را برای او خالص میگردانی. هرچه در ذهن می آید، جز برای رضایت "او" نیست. اگر چیزی در ذهن خطور کند که رضایت او در آن نباشد، باید سریعاً آن را رها کنی. ذره ذره ی افکار و اعمال را باید زیر ذره بین رضایت او ببری. مراقبه ای لحظه به لحظه. شدید و سخت. نکذار حتی لحظه ای ذهنت از زیر بار این "رضایت" در برود. و در پی آن تمامی اعمال و رفتارت. در اینجا، عقل هم که در این چندین سال در استراحت به سر میبرد باید فعال شود. باید به جنب و جوش و تکاپو بیفتد تا لحظه به لحظه اعمال را رصد کند و غربال کند هرچه را که مورد رضایت او نیست.

حال در سفر خود، آنچه را که مورد رضایت خداوند میدانید بر روی کاغذ بیاورید